

رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی

دوره ۷، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۸

ص ص: ۳۶-۲۱

نقش دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

امین رضا بخشی چناری^{۱*} - محمود گودرزی^۲ - سید نصرالله سجادی^۳ - مجید جلالی فراهانی^۴

۱. دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران ۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران ۳. استاد مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران ۴. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸، تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۰/۰۲)

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی نقش دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. کل فرایند پژوهش شامل دو مرحله بود، مرحله اول پژوهش شامل تحقیق کیفی (با استفاده از ابزار مصاحبه با استادان دانشگاه و نخبگان، مطالعه مقالات، کتابها، اسناد و مدارک)، مرحله دوم پژوهش شامل تحقیق کمی از نوع توصیفی - تحلیلی (با استفاده از روش دلفی و AHP). پس از پایان مرحله اول پژوهش، تعداد ۴۱ متغیر مربوط به اهداف اصلی و فرعی تحقیق، بعد از پایان دور دوم روش دلفی و غربالگری نهایی شناسایی شد. نتایج تحقیق نشان داد که معرفی فرهنگ غنی و متمدن ایران، معرفی جاذبه‌های گردشگری کشور و در ادامه آن جذب جهانگردان و ایجاد زمینه بهتر برای گفت‌وگو بین اقوام و ملل مختلف، مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد در مذاکرات سیاسی، احتمال کاهش درگیری نظامی میان کشورها و کاهش اهمیت مسائل نظامی، عاری بودن دیپلماسی ورزشی از لحن خصمانه در کنار جذابیت بیشتر این نوع دیپلماسی نسبت به سایر دیپلماسی‌ها از مهم‌ترین نقش‌های دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نخبگان بود.

واژه‌های کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی ورزشی، سیاست خارجی.

مقدمه

کشورها از دیرباز از سیاست خارجی برای تحقق منافع ملی خود استفاده کرده و ابزار سیاست خارجی آنها در بیشتر موارد دیپلماسی بوده است (۷). مفهوم دیپلماسی اولین بار در مصر باستان، یونان و چین مطرح شد (۱۷). دیپلماسی مهم‌ترین شاخصه سیاست خارجی کشورهاست که در طول تاریخ ظهور دولت‌ها، تحولات گوناگونی در شکل، محتوا و ساختار آن پدیده آمده است. با ظهور و گسترش رسانه‌ها و شکسته شدن مرزهای جغرافیایی، تحول مفهومی شگرفی در شکل و معنای دیپلماسی پدیدار شده است (۲). دیپلماسی عمومی تعبیری است که به دلیل جهانی شدن وضعیت قدرت و به دنبال پررنگ‌تر شدن نقش سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های ملی حقوق بشر، انجمن‌های دانشگاهی، گروه‌های تجاری و مذهبی پس از ظهور این اصطلاح در سال ۱۸۵۱ میلادی در روزنامه تایمز صورت گرفت. کارشناسان مسائل بین‌المللی دنیای امروز بر این عقیده‌اند که امروز تمامی کشورها به‌ناچار با قدرت نرم و به‌کارگیری روش‌هایی که ذهنیت‌ها و نگرش‌ها را تغییر می‌دهد، مواجه‌اند (۲۲). در این میان تحولات رسانه‌ای جدید و جهانی شدن ساختار نگرانی وزارت خارجه را با چالش جدی مواجه کرده است و وزرای خارجه به‌تنهایی نمی‌توانند در سیاست‌های خارجی یک کشور تصمیم‌گیرنده باشند؛ سیاست خارجی امروزه به دامنه وسیعی از بازیگران بین‌المللی غیردولتی وابسته است؛ از این‌رو بازیگران اصلی بین‌المللی در وزارت خارجه حجم وسیعی از برنامه‌های خود را در بخش دیپلماسی عمومی و از طریق مراکز علمی، سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی، شخصیت‌های برجسته فکری، هنرمندان، ورزشکاران و... پیگیری می‌کنند (۲۶). امروزه افکار عمومی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری‌های کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود و کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین دولتی در

قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند. به عبارت دیگر، در دیپلماسی عمومی مخاطب برنامه‌ها را مردم، نخبگان سیاسی، فرهنگی و در مجموع جمعیتی غیر از مسئولان تشکیل می‌دهد و در این خصوص از ابزارهای مختلفی مانند تبلیغات رسانه‌های جمعی و تأثیرگذاری فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها و... استفاده می‌کنند (۱۲). از طرفی کشورها در نظام بین‌الملل، در پی افزایش قدرت، ثروت، جایگاه و منزلت خود هستند و برای نیل به اهداف از تمامی ابزارهای در دسترس استفاده می‌کنند. در گذشته به دلیل ماهیت نظام بین‌الملل که به‌طور عمده مبتنی بر قدرت سخت بوده، عمده ابزار دولت‌ها برای تحقق اهداف بین‌المللی‌شان نیروی نظامی، ارتش، رایش‌ها و ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های بین‌المللی بوده است (۱۵). در زمینه دیپلماسی ورزشی تاکنون پژوهش‌های بسیاری در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است. از جمله بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و...)، برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به‌عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی می‌تواند از مهم‌ترین راهکارهای تقویت این دیپلماسی باشد. بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی دیگر با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که وجود نهاد منسجم عهده‌دار تدوین و اجرای دیپلماسی ورزشی ضروری به‌نظر می‌رسد، همچنین نتایج تحقیق آنها نشان داد که وزارت ورزش و جوانان با همکاری وزارت امور خارجه به برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و

تعیین هدف در این حوزه، تعاملات آکادمیک، افزایش فعالیت‌های دانشگاه‌ها و... به توسعه فعالیت‌های دیپلماسی در حوزه ورزش بپردازد. در تحقیقات خارجی نیز دیکسون^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی ساختار و فرایند آغازین دیپلماسی ورزشی» به این نتیجه رسیدند که ورزش و رویدادهای ورزشی همچنان نقش مهمی در تقویت و توسعه روابط دیپلماتیک بین کشورها و ایجاد صلح در جهان ایفا می‌کند. مین و چوی^۲ (۲۰۱۹) در تحقیق خود با عنوان «همکاری‌های ورزشی بین دو کره؛ و نقش بیش از اندازه دیپلماسی ورزشی در کره جنوبی»، به این نتیجه رسیدند که استفاده از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک بین کشورهای کره شمالی و کره جنوبی در حال گسترش است و از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد، مبادلات ورزشی بین دو کره، بیشتر به عاملی اجتماعی برای همکاری‌های سیاسی شبیه بوده است. فولرتون^۳ و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «تبدیل شدن دیپلماسی ورزشی به خروجی‌های دیپلماتیک؛ با ارائه یک مدل دیپلماسی ورزشی» به این نتایج دست یافتند که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با استراتژی‌های سیاسی هر کشور (ایالت) باشد، خروجی‌های آن می‌تواند همراهی خروجی‌های دیپلماتیک مدنظر اهداف سیاسی هر کشور باشد. در سالیان گذشته، در کنار قدرت سخت مفهوم جدیدی به نام قدرت نرم ظهور کرده است. قدرت نرم که مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهاست و بیشتر افکار عمومی کشورهای دیگر تا سیاستمداران و دولت‌های آنها را هدف قرار داده است، از طریق دیپلماسی عمومی در اشکال مختلف آن دنبال می‌شود و موضوعات زیادی را در برمی‌گیرد (۲۵). یکی از منابع قدرت نرم کشورها ورزش است. دهه‌هاست که ورزش

ارتباط نزدیکی با سیاست پیدا کرده و به موضوع روابط بین‌المللی تبدیل شده است. کارکردهای بین‌المللی ورزش، به‌منزله یک منبع قدرت نرم آن را به ابزار سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی تبدیل کرده، به‌طوری‌که کشورها سعی دارند از ورزش (به‌ویژه ورزش‌هایی که جنبه بین‌المللی دارند و نیز رویدادهای بزرگ ورزشی بین‌المللی همچون بازی‌های المپیک و جام جهانی فوتبال) برای اهداف گسترده خود در خصوص کسب قدرت، ثروت و افزایش منزلت بین‌المللی استفاده کنند. این وضعیت موجب ظهور مفهوم جدید دیپلماسی ورزشی در کنار دیگر انواع دیگر دیپلماسی‌ها شده است. ظهور مفهوم دیپلماسی ورزشی در عرصه مناسبات بین‌المللی این پرسش را مطرح کرده است که دیپلماسی ورزش چیست و چه نقشی در روابط خارجی کشورها و اعمال قدرت آنها ایفا می‌کند. امروزه متخصصان علوم ورزشی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به این نتیجه رسیده‌اند که بی‌تردید یکی از حوزه‌های موضوعی مهم در ارتباط با ورزش و نقش آن در روابط بین‌الملل، دیپلماسی ورزشی است. دیپلماسی ورزشی را می‌توان در تقسیم‌بندی کلی‌تر، یعنی دیپلماسی عمومی و فرهنگی قرار داد که در دو سه دهه اخیر رواج بیشتری یافته است (۱۵). در عصر جهانی شدن، تأثیر عناصر فرهنگی بر روابط بین دولتها بسیار افزایش یافته تا جایی که مبادلات فرهنگی در مقیاس جهانی با سهولت بیشتری انجام گرفته و موانع چندانی را پیش روی خود نمی‌بیند، بنابراین دیپلماسی عمومی و فرهنگی به‌طور اعم و دیپلماسی ورزشی به‌طور اخص توجهات بیشتری را به سمت خود جلب کرده است (۱۰). با توضیحات فوق می‌توان گفت ارتباط بین دیپلماسی و ورزش متقابل است، هم دیپلماسی در مدیریت ورزشی، برگزاری مسابقات جهانی، کسب میزبانی، شرکت در

مسابقات و... تأثیرگذار است و هم ورزش در پیشبرد دیپلماسی کشورهای مختلف از طریق ورزش، با شرکت کردن یا نکردن در مسابقات ورزشی (مانند تحریم المپیک) یا مسابقه دادن یا اجتناب از رقابت با ورزشکاران کشورهای دیگر برخی خواست‌های سیاسی خود را به نمایش درمی‌آورند (۲۲). همچنان که التیامی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی به نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح بین دولت‌ها به این نتایج رسیدند که ورزش بین‌المللی و اجتماعات بزرگ آن به شکل‌گیری روابط نزدیک و دوستانه بین کشورها منجر شده است. هرچند در برخی موارد هم از ورزش به‌عنوان ابزاری برای از بین بردن موقعیت‌های صلح‌آمیز و تحریک دشمنی استفاده شده است (۱). امروزه نقش ورزش و فعالیت‌های ورزشی از یک فعالیت بدنی یا نوعی سرگرمی فرارفته و کارکردهای مختلف بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و مهم‌تر از آن سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است. امروزه ورزش به‌طور گسترده در سراسر جهان رواج یافته و اسناد بین‌المللی جدید نیز به ورزش توجه زیادی کرده‌اند. بین‌المللی شدن بسیاری از ورزش‌ها موجب شده تا کشورها به رقابت ورزشی بین‌المللی، به‌عنوان میدانی برای پیشبرد منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی و بین‌المللی خود توجه کنند. در این زمینه مفهوم دیپلماسی ورزشی در کنار انواع دیپلماسی‌های دیگر ظهور پیدا کرده و رشد چشمگیری داشته است (۱۵). در این بین، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری تأثیرگذار در توسعه تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین به لحاظ حکومتی، به‌عنوان یگانه حکومت مردم‌سالاری دینی در جهان، از حیث استقلال سیاسی می‌درخشد و این موضوع که حکایت از عدم تعهد واقعی به قدرت‌های بیگانه دارد، موقعیت ایران را در منطقه و جهان حائز اهمیت روزافزون ساخته است.

اکنون جمهوری اسلامی ایران بازیگری مهم در پهنه منطقه است که در معادلات جهانی نمی‌توان نقش مهم آن را نادیده گرفت. بی‌شک ایران در تاریخ دیپلماسی طولانی خود با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده است. در دوره پس از انقلاب و به‌ویژه در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران به تحریک، آشوبگری، خرابکاری، گروگان‌گیری و تروریسم از طرف غرب متهم می‌شد. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب نیز، تحریم‌های یکجانبه و خصمانه آمریکا و اسرائیل، و تنظیم لایحه‌ای برای تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ملت ایران، اهمیت دیپلماسی را بیش از پیش آشکار می‌کند (۱۳). حال با توجه به مطالب مذکور و با توجه به نقش پررنگ دیپلماسی ورزشی از یک سو و نقش کلیدی کشورمان در منطقه و جهان، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از ورزش به‌عنوان ابزاری به نسبت کم‌هزینه‌تر و در عین حال جذاب‌تر در تحقق اهداف و منافع سیاسی خود استفاده کند. از این‌رو پژوهش حاضر سعی دارد تا ضمن بررسی وضعیت دیپلماسی ورزشی کشور، جایگاه و نقش آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، شناخت و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی، شناخت و اولویت‌بندی موانع پیش‌روی توسعه این دیپلماسی نوین و همچنین راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی کشور در عرصه بین‌المللی ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های میدانی بود، با توجه به موضوع، این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی و روش انجام پژوهش روش آمیخته یا ترکیبی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه مدیران و متخصصان صاحب‌نظر و آگاه در خصوص

موضوع دیپلماسی ورزشی بودند و از آنجا که در روش‌های کیفی، تعداد نمونه‌ها از قبل تعیین نمی‌شود، در نتیجه تا جایی که نسبت به موضوع تحقیق اشباع نظری حاصل شد، مصاحبه ادامه یافت، بنابراین در مرحله مصاحبه از دو روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شد. بر همین اساس با ۱۶ متخصص، تعداد ۲۲ مصاحبه (برخی افراد بیش از یک بار مورد مصاحبه قرار گرفتند) انجام گرفت. در بخش دلفی نیز با درخواست از طریق ایمیل از ۵۰ استاد دانشگاهی که در حوزه مدیریت ورزشی تخصص داشتند، خواسته شد تا در گروه دلفی پژوهش مشارکت داشته باشند که از این تعداد، ۳۰ استاد دانشگاه در گروه دلفی در دو مرحله مشارکت کردند. در نهایت در بخش AHP از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس استفاده شد که از این طریق تعداد ۴۵ پرسشنامه AHP تکمیل و بازگردانده شد. به‌طور کلی این پژوهش طی یک فرایند چهارمرحله‌ای به شرح زیر صورت گرفت:

مرحله اول: با رجوع به اطلاعات موجود در پایگاه‌های اینترنتی، کتاب‌ها، مجلات و نشریات مختلف، به بررسی وضعیت دیپلماسی ورزشی در سایر کشورها و بررسی وضعیت موجود این دیپلماسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مروری بر مبانی نظری و پیشینه موضوع و مقایسه آنها با یکدیگر پرداخته شد. مرحله دوم: با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کلیه مدیران و متخصصان صاحب‌نظر و آگاه در خصوص موضوع دیپلماسی ورزشی به‌همراه خبرگان دانشگاهی، متغیرهای اصلی پژوهش شناسایی شد. مرحله سوم: هدف از این مرحله از پژوهش وزن‌دهی و رتبه‌بندی متغیرهای شناسایی‌شده در مرحله پژوهش بود. یکی از روش‌های مناسب برای وزن‌دهی

و رتبه‌بندی متغیرها، روش AHP (فرایند تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتبی) است. به‌علت همپوشانی داشتن متغیرها با یکدیگر و برای تفکیک متغیرها از یکدیگر و حذف متغیرهای غیرضروری، به‌طوری که هیچ متغیری ناخواسته حذف نشود، از روش دلفی قبل از به‌کارگیری روش AHP استفاده شد. در خصوص روش‌شناسی پژوهش، با توجه با ماهیت موضوع و ادبیات تحقیق، به‌نظر رسید راه اساسی دستیابی به نتیجه صحیح و کاربردی، استفاده از نظرهای کارشناسان و متخصصان در این زمینه است. در این خصوص مدل دلفی به‌عنوان مدلی که می‌توانست با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نظرهای کارشناسان، متغیرهای پژوهش را غربالگری کند، مورد توجه و انتخاب پژوهشگران قرار گرفت. مرحله چهارم پژوهش: پس از انجام روش دلفی در دو دور و غربال شدن متغیرهای فرعی مرتبط با متغیرهای اصلی، برای وزن‌دهی و رتبه‌بندی (اولویت‌بندی) عوامل مؤثر و وزن‌دهی و رتبه‌بندی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی با توجه به متغیرهای اصلی از روش AHP استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در توصیف تحلیلی نمونه پژوهش، تعداد ۱۲ نفر از استادان نخبه دانشگاه در رشته‌های مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مدیریت استراتژیک و ۲ نفر از مدیران عالی ورزشی کشور در سطح وزیر و معاون وزیر سابق، ۲ نفر از سفیران و مدیران سابق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بودند. در جدول ۱ به تفکیک و توصیف نمونه پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۱. توصیف نمونه‌های پژوهش

سمت صاحب نظران	تعداد	توضیحات
استادان دانشگاه	۱۲	رشته: مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین الملل، مدیریت استراتژیک و ...
مدیران سیاسی - ورزشی	۴	در سطح: وزیر و معاون وزیر دولت یازدهم، سفیر باننشسته دولت هفتم، عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی

در توصیف تحلیلی مصاحبه‌شونده‌ها، از مجموع ۱۲ نفر از استادان دانشگاه در رشته‌های مدیریت ورزشی، مدیریت استراتژیک، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و ... تعداد ۱۶ مصاحبه، از مجموع ۲ نفر از مدیران سابق ارشد وزارت ورزش و جوانان ۲ مصاحبه و در نهایت از مجموع ۲ نفر از سفیران و مدیران سابق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ۲ مصاحبه، انجام گرفت.

جدول ۲. توصیف مصاحبه‌شوندگان پژوهش

سمت صاحب نظران	تعداد	تعداد مصاحبه	توضیحات
استادان دانشگاه‌های ایران	۱۲	۱۸	رشته مدیریت استراتژیک، مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین الملل و ...
مدیران عالی رتبه ورزش کشور	۲	۲	در سطح: وزیر و معاون وزیر دولت یازدهم
سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران	۱	۱	سفیر باننشسته دولت هفتم
نماینده سابق مجلس	۱	۱	عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس

با پایان یافتن مصاحبه‌ها با استادان و نخبگان دانشگاهی، مدیران عالی‌رتبه ورزش کشور، سفیران و مدیران سیاسی سابق جمهوری اسلامی ایران، تعداد ۵۸ متغیر در حول اهداف پژوهش شناسایی شد، که ۱۴ متغیر مربوط به نقش دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ متغیر مربوط به شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی، ۱۱ متغیر مربوط به شناسایی موانع پیشروی دیپلماسی ورزشی، ۹ متغیر مربوط به ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی و ۱۴ متغیر مربوط به شناخت ابزارها و تکنیک‌های دیپلماسی ورزشی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. در ادامه به تفسیر و تفکیک هر کدام از این متغیرها پرداخته شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، در بخش نقش دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

متغیر اصلی	تعداد متغیرها	متغیرهای فرعی مربوط
نقش دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۱۴	۱. استفاده از دیپلماسی ورزشی برای معرفی ایران به دنیا به لحاظ معرفتی ۲. استفاده از دیپلماسی ورزشی برای معرفی جاذبه‌های ایران ۳. استفاده از دیپلماسی ورزشی برای تغییر نگرش منفی نسبت به ایران ۴. استفاده از دیپلماسی ورزشی برای معرفی فرهنگ غنی و متمدن ۵. استفاده از دیپلماسی ورزشی برای کسب درآمد اقتصادی از طریق محصولات و ارائه خدمات ورزشی ۶. استفاده از دیپلماسی ورزشی برای جذب جهانگردان و ایجاد زمینه بهتر برای گفت‌وگوی بین اقوام و ملل مختلف ۷. مواجهه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد در مذاکرات سیاسی ۸. احتمال کاهش درگیری نظامی میان کشورها و کاهش اهمیت مسائل نظامی ۹. عاری بودن دیپلماسی ورزشی از لحن خصمانه در کنار جذابیت بیشتر ۱۰. مقابله با جنگ‌های روانی استکبار جهانی از جمله اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی ۱۱. اجرای انعطاف‌پذیرتر، فرصت‌طلبانه‌تر و جذاب‌تر دیپلماسی ورزشی نسبت به سایر دیپلماسی‌ها ۱۲. کاهش محسوس سوء استفاده، عدم اعتماد و ترس در روابط میان دو کشور ۱۳. نقش آفرینی دیپلماسی ورزشی در ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی دولت‌ها ۱۴. بهبود تصویر ملت و افزایش صلح و توسعه رفاهت بین ایران و سایر ملت‌ها

جدول ۴. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، در بخش شناسایی عوامل مؤثر توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

متغیر اصلی	تعداد متغیرها	متغیرهای فرعی مربوط
شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی	۱۰	۱. برخورداری از حمایت و پشتیبانی دستگاه دیپلماسی ۲. فعالیت تخصصی در حوزه روابط بین‌الملل و دیپلماسی ورزشی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط ۳. تولید مبانی نظری در حوزه دیپلماسی ورزشی در مراکز علمی مرتبط ۴. افزایش تأثیرگذاری دیپلماسی ورزشی بر افکار عمومی در توسعه روابط بین‌المللی با سایر کشورها ۵. برنامه‌ریزی و آگاهی داشتن از پتانسیل بالای ورزش و افزایش روزافزون قدرت و جذابیت رویدادهای ورزشی ۶. پرورش و استفاده از دیپلمات‌های ورزشی ۷. ارتباط منسجم و متقابل با دیگر نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع دولتی و غیردولتی ۸. دستور کار قرار دادن نظامنامه هدفمند با جذب نیروی انسانی خلاق در حوزه دیپلماسی ورزشی ۹. برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران عالی ورزشی و سیاسی و ارزیابی دقیق از فضای بین‌المللی ۱۰. همکاری دقیق بین وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک و پارالمپیک با وزارت امور خارجه بین‌المللی ۱۰. همکاری دقیق بین وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک و پارالمپیک با وزارت امور خارجه

جدول ۵. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، در بخش شناسایی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران

متغیر اصلی	تعداد متغیرها	متغیرهای فرعی مربوط
شناسایی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی	۱۱	۱. بی‌تفاوتی و بی‌توجهی وزارت ورزش و جوانان و وزارت خارجه نسبت به مسائل بین‌المللی ورزشی ۲. ایرادهای اساسی در اساسنامه فدراسیون‌ها و چرخه معیوب مدیریتی در سطح کلان ورزش ۳. تغییرات گسترده مدیریتی و جابه‌جایی‌های ناشی از آن، که در عرصه بین‌المللی تأثیرات منفی می‌گذارد ۴. موانع ایدئولوژیک و تعارضات برخی ارزش‌های ج.ا.ا با قواعد و هنجارهای حاکم بر ورزش جهان ۵. تربیت نکردن نیروی انسانی متخصص در حوزه روابط بین‌الملل و ورزش ۶. عدم ثبات و برنامه‌ریزی بلندمدت در مدیریت سیاسی و مدیریت ورزشی کشور ۷. عدم آگاهی و شناخت لازم افراد در رأس فدراسیون‌ها در مورد روابط مهم بین‌المللی ۸. تصمیم‌گیری‌های سیاسی مغایر با مسائل بین‌المللی ورزشی در وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌ها و وزارت امور خارجه و... ۹. مسلط نبودن و نقص عمده در زبان ورزش بین‌المللی و عدم توانایی در انتقال ادبیات بین‌المللی ۱۰. نبود سیاست‌گذاری و برنامه لازم برای ورود موفق به صحنه‌های بین‌المللی ورزشی ۱۱. تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده در امور بین‌المللی ورزش

جدول ۶. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، در بخش ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی ج.ا.ا

متغیر اصلی	تعداد متغیرها	متغیرهای فرعی مربوط
ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی	۹	۱. بازبینی و بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و...) ۲. برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به‌عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی ۳. تدوین سند همکاری‌های راهبردی بین وزارت امور خارجه، کمیسیون سیاست خارجی مجلس با وزارت ورزش و جوانان و... ۴. آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی ۵. تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی ۶. تدوین استراتژی دیپلماسی ورزشی براساس مشخص کردن مخاطبان سیاسی و برنامه‌ریزی برای برقراری ارتباط با آن کشورها در قالب این دیپلماسی ۷. تعریف ساختار مناسب برای پیشبرد برنامه‌های مرتبط با دیپلماسی ورزشی با بهره‌گیری از تقویت و ارتقای قدرت نرم در سیاست خارجی کشور ۸. اسپورتیزه کردن سیاست در وزارت امور خارجه ۹. تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی

جدول ۷. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، در بخش شناسایی ابزارهای دیپلماسی ورزشی برای پیشبرد اهداف سیاسی جمهوری

اسلامی ایران

متغیر اصلی	تعداد متغیرها	متغیرهای فرعی مربوط
ابزارها و تکنیک‌های دیپلماسی ورزشی برای پیشبرد اهداف سیاسی	۱۴	۱. رسانه‌سازی بین‌المللی تحولات ورزشی داخل کشور ۲. تدوین دستورالعمل اجرایی - رفتاری هیئت‌های ورزشی اعزامی به رخدادهای بین‌المللی ۳. میزبانی رخدادهای بین‌المللی ۴. بهره‌گیری از سنت‌های ورزشی کشور هدف ۵. استفاده از ورزش برای معرفی تغییرات مثبت داخلی به افکار عمومی جهان ۶. برگزاری میهمانان ورزشی در سفارتخانه‌های کشور ۷. توسعه بین‌المللی سازمان‌های ورزشی داخلی ۸. شرکت ورزشکاران در فعالیت‌های خیریه و بین‌المللی ۹. ایجاد تحولات ساختاری در دستگاه دیپلماسی عمومی ۱۰. سفیران ورزشی ۱۱. بورسیه‌های ورزشی ۱۲. کسب کرسی‌های بین‌المللی ۱۳. حضور ورزشکاران، مربیان، مدیران ورزشی و... در جلسات تصمیم‌گیری مرتبط با دیپلماسی ۱۴. تنظیم دستورالعمل‌ها و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی ورزشی بین دستگاه دیپلماسی و ورزش

مربوط به شناسایی عوامل مؤثر توسعه دیپلماسی ورزشی، ۱ متغیر جدید مربوط به شناسایی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی و ۴ متغیر جدید مربوط به راهکارهای توانمندسازی دیپلماسی ورزشی بود. در نهایت اینکه پس از پایان دور دوم روش دلفی و غربالگری نهایی، تعداد متغیرها به ۴۱ متغیر کاهش یافت. پس از انجام روش دلفی در دو دور و غربال شدن متغیرهای فرعی مرتبط با متغیرهای اصلی، برای وزن دهی و رتبه بندی کردن متغیرهای شناسایی شده در بخش عوامل مؤثر توسعه دیپلماسی ورزشی و موانع پیش روی توسعه این دیپلماسی از روش AHP استفاده شد.

با پایان مصاحبه ها، تعداد ۵۸ متغیر حول اهداف پژوهش شناسایی شد. در این مرحله، متغیرهایی که ۶۰ درصد پاسخ دهندگان به آنها جواب مثبت دادند، در چرخه تحقیق باقی می ماندند و متغیرهایی که کمتر از این مقدار پاسخ دریافت کردند، از چرخه حذف شدند. همچنین تعداد ۹ متغیر جدید بعد از پایان دور اول روش دلفی شناسایی شد. شرایط شناسایی متغیرهای جدید بدین صورت بود که در ذیل هر بخش از پرسشنامه های دلفی، پاسخ دهندگان در گروه دلفی می توانستند متغیرهای جدیدی را که به نظر آنها از قلم افتاده بود و می توانست در آن بخش وارد شود، پیشنهاد دادند که از این بین ۳ متغیر جدید مربوط به نقش دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی، ۱ متغیر جدید

جدول ۸. نتایج نهایی AHP در بخش اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

رتبه	وزن نسبی	متغیرهای فرعی مرتبط	متغیر اصلی
۱	۰/۲۱	برخورداری از حمایت و پشتیبانی دستگاه دیپلماسی	اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی
۲	۰/۱۹	همکاری دقیق و علمی بین وزارت ورزش و... با وزارت امور خارجه	
۳	۰/۱۸۱	اهمیت دادن به نقش تأثیرگذار و بالقوه بخش های خصوصی	
۴	۰/۱۷۶	پرورش و استفاده از دیپلمات های ورزشی	
۵	۰/۱۵۱	فعالیت تخصصی در حوزه روابط بین المللی و دیپلماسی ورزشی با هماهنگی سایر دستگاه های ذی ربط	
۶	۰/۱۳۳	برگزاری دوره های آموزشی برای مدیران عالی ورزشی و سیاسی و ارزیابی دقیق از فضای بین المللی	
۷	۰/۱۲۸	تولید مبانی نظری در حوزه دیپلماسی ورزشی در مراکز علمی مرتبط	

سیاست خارجی کشورمان است. شایان ذکر است که در این بخش از تحقیق ۳ متغیر محبوبیت بالای ورزش در بیشتر فرهنگ ها، قومیت ها و دولت های جهان، جانشین و جایگزینی تأثیرگذار برای فعالیت های برای فعالیت های دیپلماتیک پیچیده، افزایش تأثیرگذاری دیپلماسی ورزشی بر افکار عمومی در توسعه روابط بین المللی با سایر کشورها، در بخش دوم دلفی حذف شدند.

همان طور که در جدول ۸ نشان داده شده است، متغیر «برخورداری از حمایت و پشتیبانی دستگاه دیپلماسی (وزارت امور خارجه) و سایر دستگاه ها و نهادهای ذی ربط» با وزن نسبی ۰/۲۱، مهم ترین عامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، و متغیر «تولید مبانی نظری در حوزه دیپلماسی ورزشی در مراکز علمی مرتبط» با وزن نسبی ۰/۱۲۸، کم اهمیت ترین عامل مؤثر توسعه دیپلماسی ورزشی در

جدول ۹. نتایج نهایی AHP در بخش اولویت‌بندی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران			
رتبه	وزن نسبی	متغیرهای فرعی مرتبط	متغیر اصلی
۱	۰/۳۷۹	بی‌تفاوتی وزارت ورزش و وزارت خارجه نسبت به مسائل بین‌المللی ورزشی	اولویت‌بندی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی
۲	۰/۳۴۳	موانع ایدئولوژیک و تعارضات برخی ارزش‌های ج.ا.ا با هنجارهای حاکم بر ورزش جهان	
۳	۰/۳۱۱	نبود سیاستگذاری و برنامه لازم برای ورود موفق به صحنه‌های بین‌المللی ورزشی	
۴	۰/۲۷۳	مسلط نبودن و نقص عمده در زبان ورزش بین‌المللی و عدم توانایی در انتقال ادبیات بین‌المللی	
۵	۰/۲۲	تربیت نکردن نیروی انسانی متخصص در حوزه روابط بین‌الملل و ورزش	
۶	۰/۲۰۹	تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده در امور بین‌المللی ورزش	
۷	۰/۲۰۲	عدم ثبات و برنامه‌ریزی بلندمدت در مدیریت سیاسی و مدیریت ورزشی کشور	
۸	۰/۱۱۲	عدم آگاهی افراد در رأس فدراسیون‌ها در مورد روابط مهم بین‌المللی	

همان‌طور که در جدول ۹ نشان داده شده است، متغیر «بی‌تفاوتی، بی‌توجهی و عدم هماهنگی بین وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی با وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های مرتبط نسبت به مسائل بین‌المللی ورزشی» با وزن نسبی ۰/۳۷۹، مهم‌ترین مانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، و متغیر «عدم آگاهی و شناخت لازم افراد در رأس فدراسیون‌ها در مورد روابط مهم بین‌المللی ورزشی» با وزن نسبی ۰/۱۱۲، کم‌اهمیت‌ترین مانع از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی کشورمان است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحولات عرصه بین‌المللی و قدرت گرفتن بیش از پیش بازیگران غیردولتی، موجب بروز تحولاتی در چگونگی عملکرد دیپلماسی شده است. امروزه دولت‌ها در قالب برنامه‌هایی برای برقراری ارتباط و تأثیرگذاری بر مخاطب عام و در چارچوب دیپلماسی ورزشی تلاش می‌کنند، تا به برخی از اهداف سیاسی خود دست یابند. در این بین، جمهوری اسلامی ایران با توجه قدرت نرم خود در منطقه و جهان، از جمله کشورهایی است که توانایی بالقوه زیادی در جذب و تأثیرگذاری بر مخاطبان جهانی دارد. با این حال

هرچند گام‌هایی در این مسیر برداشته شده، هنوز برنامه منسجمی در قالب دیپلماسی ورزشی تکوین نشده است. از این رو ضرورت دارد تا با در نظر گرفتن توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران، استراتژی مدونی برای دیپلماسی ورزشی ارائه شود. این استراتژی باید شامل بهره‌گیری از کلیه منابع قدرت نرم و طرح و شیوه‌های مشخصی برای برقراری ارتباط با مخاطبان خارجی باشد. همچنین الزامات دیپلماسی ورزشی باید به این مسیر منتهی شود که تا نهادی در قالب دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی، عهده‌دار تدوین و اجرای دیپلماسی ورزشی باشد و سایر نهادها نقش مکمل را برای این نهاد بازی کنند. بر این اساس در این پژوهش به بررسی نقش دیپلماسی ورزشی در ساختار سیاسی ایران به‌ویژه در قالب دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان داد که از مهم‌ترین نقش‌های دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، معرفی فرهنگ غنی و متمدن ایران، معرفی جاذبه‌های گردشگری کشور و در ادامه آن جذب جهانگردان و ایجاد زمینه بهتر برای گفتگو بین اقوام و ملل مختلف است. همچنین دیپلماسی ورزشی می‌تواند مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد در مذاکرات سیاسی، احتمال کاهش

درگیری نظامی میان کشورها و کاهش اهمیت مسائل نظامی، عاری بودن دیپلماسی ورزشی از لحن خصمانه در کنار جذابیت بیشتر این نوع دیپلماسی نسبت به سایر دیپلماسی‌ها و در نهایت به‌عنوان پدیده‌ای در جهت دفاع از گروه‌های تحت ستم و محروم را به‌دنبال داشته باشد. نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش راسخ و جوادی‌پور (۱۳۹۶)، شریعتی فیض‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴)، کوپیرسکی (۲۰۱۷) و ریچ (۲۰۱۴) همخوانی دارد. بنابراین در تفسیر نتایج پژوهش این بخش می‌توان گفت از آنجا که تعیین خط‌مشی سیاست خارجی هر کشور از متغیرهای متعددی تأثیر می‌پذیرد، از این‌رو می‌توان دیپلماسی ورزشی را از جمله ابزار تسهیل‌کننده اجرای سیاست خارجی دانست. در واقع، درحالی‌که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دربرگیرنده اهداف و آرمان‌های بلندی است، دیپلماسی ورزشی می‌تواند سازوکاری برای دستیابی به آن اهداف باشد. به‌عبارتی دیگر، این مقوله می‌تواند به‌عنوان اصل بنیادین و بدیهی نقش حمایتی از اهداف سیاست خارجی کشورمان داشته باشد. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که در کنار به‌کارگیری مجاری و راه‌های دیپلماسی رسمی، باید به اهمیت بسیار زیاد دیپلماسی فرهنگی توجه کرد و با برنامه‌ریزی حساب‌شده در حوزه‌های آموزشی، هنری، فرهنگی و ورزشی به ترویج ارزش‌های مطلوب کشور و در نهایت تأمین منافع کشور اقدام کرد. به‌عبارتی تنها با ابزارهایی از جنس فرهنگ می‌توان در عمق باورها و اعتقادات ملت‌ها رسوخ کرد و ائتلاف‌ها و اتحادیهایی پایدار را در نظام بین‌الملل بنیان نهاد. بنابراین با توجه به این دیدگاه، می‌توان گفت به‌کارگیری دیپلماسی ورزشی را نه‌تنها برای دستیابی به اهداف ورزشی یا اهداف فرهنگی، بلکه برای نیل به اهدافی با ماهیت سیاسی، امنیتی و حتی نظامی نیز می‌توان تجویز کرد. دیگر نتایج پژوهش نشان داد که برخورداری از حمایت و پشتیبانی دستگاه

دیپلماسی، ارتباط منسجم و متقابل با دیگر نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع دولتی و غیردولتی، دستور کار قرار دادن نظامنامه هدفمند با جذب نیروی انسانی خلاق در حوزه دیپلماسی ورزشی، همکاری دقیق بین وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک و پارالمپیک با وزارت امور خارجه و استفاده از دیپلمات‌های ورزشی، می‌تواند از عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد که این نتایج با نتایج پژوهش بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸)، فولرتون و همکاران (۲۰۱۸) و کوپیرسکی (۲۰۱۷) همخوانی داشت. با توجه به این نتایج پژوهش می‌توان پیشنهاد داد که با توجه به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به‌نظر می‌رسد وزارت امور خارجه برای کارآمدی بیشتر سیاست خارجی خود، نیازمند اتخاذ تدابیر و روش‌های جدید در روابط خارجی خود است تا اهداف خود را بهتر محقق سازد. بنابراین توجه به عوامل مؤثر و تأثیرگذار توسعه دیپلماسی ورزشی، همچون فعالیت تخصصی در حوزه روابط بین‌الملل و دیپلماسی ورزشی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط، همکاری دقیق بین وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک و پارالمپیک با وزارت امور خارجه، ارتباط منسجم و متقابل بین نخبگان این دو حوزه، برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت، دستور کار قرار دادن نظامنامه هدفمند و جذب نیروی انسانی خلاق در حیطه دیپلماسی ورزشی و البته برگزاری دوره‌های آموزشی به‌روز که تاکنون مغفول مانده به پیشبرد هرچه بهتر منافع ملی کشور مبادرت ورزد. دیگر نتایج پژوهش نشان داد که بی‌تفاوتی و بی‌توجهی وزارت ورزش و جوانان و وزارت خارجه نسبت به مسائل بین‌المللی ورزشی، موانع ایدئولوژیکی و تعارضات برخی ارزش‌های ج.ا.ا با قواعد و هنجارهای حاکم بر ورزش جهان، نبود نیروی انسانی متخصص در حوزه روابط بین‌الملل و ورزش، عدم ثبات و

برنامه‌ریزی بلندمدت در مدیریت سیاسی و مدیریت ورزشی کشور، عدم آگاهی و شناخت لازم افراد در رأس فدراسیون‌ها در مورد روابط مهم بین‌المللی، تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده در امور بین‌المللی ورزش، مسلط نبودن و نقص عمده در زبان ورزش بین‌المللی و ناتوانی در انتقال ادبیات بین‌المللی، منفعل بودن دستگاه دیپلماسی در حوزه ورزش، از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش پیمان‌فر و همکاران (۱۳۹۵) و دسن اجنیو و همکاران (۲۰۱۵) همخوان بود. در تفسیر این بخش می‌توان گفت که با وجود موانع و مشکلات در عرصه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان منکر فرصت‌ها و بسترهای فرهنگی مناسب در روابط ایران و کشورهای منطقه بود؛ به‌طوری‌که با اتخاذ سیاست‌های مناسب‌تر و رفع موانع داخلی در حوزه دیپلماسی ورزشی، هم می‌توان از فرصت‌های موجود بهره برد و هم به کاهش تأثیرات چالش‌ها و موانع داخلی امید داشت. به‌نظر می‌رسد در شرایط کنونی، افزایش شناخت و آگاهی مدیران و تعیین مرجع مشخص تصمیم‌گیری در کنار توجه و علاقه‌مندی متولیان به رشته‌های ورزشی و جایگاه ورزش در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دست‌اندرکاران حوزه سیاست و ورزش را ترغیب کند تا با تشکیل شورای سیاست‌گذاری به طرح‌ریزی برنامه‌ای خاص و استراتژیک برای دیپلماسی ورزشی در دستگاه وزارت خارجه اقدام کنند؛ و با برطرف کردن نقص زبان بین‌المللی (انگلیسی) برای برقراری ارتباط با جهان، از دیپلماسی ورزشی به‌عنوان ابزاری برای توسعه تعاملات دیپلماتیک استفاده کنند. یافته‌های دیگر نشان داد که متغیرهایی مانند بازبینی و بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و...)، برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به‌عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، تدوین

سند همکاری‌های راهبردی بین وزارت امور خارجه و کمیسیون سیاست خارجی مجلس با وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و...، تدوین و اجرای برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی براساس مشخص کردن مخاطبان سیاسی و برنامه‌ریزی برای برقراری ارتباط با آن کشورها، تقویت کردن نقش مهم رسانه ملی در انعکاس رویدادهای جهانی ورزشی-سیاسی و کمک به ارتقای دیپلماسی ورزشی و در نهایت محبوس نکردن و محدود نکردن دیپلماسی ورزشی در دولت‌ها و معرفی آن به‌عنوان ابزاری فرادولتی و حکومتی، می‌توانند در راستای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی کشور نقش عمده‌ای ایفا کنند. نتایج این قسمت از پژوهش با نتایج تحقیق بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) و زرگر (۱۳۹۴) همخوانی داشت. در تحلیل یافته‌های این قسمت می‌توان گفت همان‌گونه‌که پیشتر مطرح شد، جمهوری اسلامی ایران نیازمند استراتژی منسجم‌تری است تا بتواند دیپلماسی ورزشی خود را به ابزاری قدرتمند و تأثیرگذار تبدیل کند. ابزاری توانمند که می‌تواند به‌خوبی در اختیار دستگاه سیاست خارجی قرار گیرد. در این استراتژی نهاد یا سازمانی که عهده‌دار سیاست‌گذاری و هدایت دیپلماسی ورزشی است، اهمیت بسیار زیادی دارد. در این زمینه تجربه کشورهای موفق نشان داده نهادی که در قالب ساختار وزارت امور خارجه باشد، قادر خواهد بود استراتژی و برنامه مدون دیپلماسی ورزشی ایران را اجرا کند. ماهیت فعالیت‌های وزارت خارجه که در تعامل گسترده با عرصه بین‌المللی قرار دارد، سبب می‌شود که این نهاد بیش از هر نهاد و سازمان دیگری این امکان را پیدا کند تا مؤلفه‌های قدرت نرم را در قالب برنامه‌های دیپلماسی ورزشی کشور به‌کار بندد. بی‌شک اجرای توانمند دیپلماسی ورزشی در این نهاد، خود نیازمند الزاماتی است که شاید مهم‌ترین آن کسب مهارت‌های جدید توسط دیپلمات‌ها (دیپلمات‌های

سیاسی و دیپلمات‌های ورزشی) است. بنابراین تقویت و توانمندسازی دیپلماسی ورزشی در وزارت امور خارجه می‌تواند در جذب افکار عمومی کشورهای دیگر و ارائه تصویری مثبت از کشور به آنها بسیار مؤثر باشد. چنین عملکردی بهترین وسیله برای مقابله با ترفندهای تبلیغاتی کشورهای رقیب خواهد بود. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای رسانه‌سازی بین‌المللی تحولات ورزشی داخل کشور، تدوین دستورالعمل اجرایی- رفتاری هیأت‌های ورزشی اعزامی به رخدادهای بین‌المللی، میزبانی رخدادهای بین‌المللی ورزشی، بهره‌گیری از سنت‌های ورزشی کشور هدف، استفاده از ورزش برای معرفی تغییرات مثبت داخلی به افکار عمومی جهان، توسعه بین‌المللی سازمان‌های ورزشی داخلی، شرکت ورزشکاران در فعالیت‌های خیریه و بین‌المللی، سفیران ورزشی، کسب کرسی‌های بین‌المللی، حضور ورزشکاران، مربیان، مدیران ورزشی و ... در جلسات تصمیم‌گیری مرتبط با دیپلماسی، تنظیم دستورالعمل‌ها و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی ورزشی بین دستگاه دیپلماسی و دستگاه ورزش از ابزارهای دیپلماسی ورزشی موفق است که با نتایج تحقیق مین و چوی (۲۰۱۹)، بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) و خیری (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی جایگاه ورزش در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران» همخوانی داشت. در تفسیر این یافته‌ها می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران به دلیل توان بالقوه ورزشی کشور می‌تواند با شکل دادن به دیپلماسی ورزشی خود از ورزش و رویدادهای ورزشی به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود در سطح بین‌المللی بهره‌مند شود. همچنین از طریق دستاوردها و پیروزی‌های قهرمانان، فراهم کردن بستر مناسب برای حضور پررنگ ورزشکاران، مربیان و مدیران ورزشی در جلسات تصمیم‌گیری مرتبط با دیپلماسی، استفاده از آنها به عنوان سفیران ورزش جمهوری اسلامی ایران، در کنار

دستورالعمل‌های مدون هیأت‌های ورزشی اعزامی به مسابقات برون‌مرزی و البته کسب کرسی‌های بین‌المللی توسط افراد توانمند به گسترش دیپلماسی ورزشی به عنوان ابزاری برای توسعه روابط صلح‌آمیز بین‌المللی و رساندن پیام کشورمان به سایر ملت‌ها توجه ویژه‌ای شود. نتایج نهایی تحقیق نشان داد که متغیر برخورداری از حمایت و پشتیبانی دستگاه دیپلماسی و سایر دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط با وزن نسبی ۰/۲۱، مهم‌ترین عامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و متغیرهای همکاری دقیق و علمی بین وزارت ورزش و ... با وزارت امور خارجه با وزن نسبی ۰/۱۹ و اهمیت دادن به نقش تأثیرگذار و بالقوه بخش‌های خصوصی با وزن نسبی ۰/۱۸۱ در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. همچنین متغیر بی‌تفاوتی، بی‌توجهی و ناهماهنگی بین وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی با وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های مرتبط نسبت به مسائل بین‌المللی ورزشی با وزن نسبی ۰/۳۷۹، مهم‌ترین مانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و متغیرهای موانع ایدئولوژیکی و تعارضات برخی ارزش‌های ج.ا.ا با هنجارهای حاکم بر ورزش جهان با وزن نسبی ۰/۳۴۳ و نبود سیاست‌گذاری و برنامه لازم برای ورود موفق به صحنه‌های بین‌المللی ورزشی با وزن نسبی ۰/۳۱۱ در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند که با نتایج پژوهش دیکسون و همکاران (۲۰۱۹)، فولرتون و همکاران (۲۰۱۸)، بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) و پیمان‌فر و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی داشت. در تفسیر این نتایج می‌توان گفت با توجه به اینکه در قوانین و مقررات ما بندهایی وجود دارد که پشتیبانی از امور بین‌المللی در آن مطرح شده اما هیچ آیین‌نامه اجرایی وجود ندارد؛ بنابراین تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقرراتی که روابط بین‌المللی ورزش را تعریف می‌کند ضروری به نظر می‌رسد. همچنین مشخص شود که ساختار

تشکیل جلسات آموزشی و پژوهشی برای مدیران ارشد این حوزه (مانند رؤسای کمیته‌های امور بین‌المللی فدراسیون‌ها و...) می‌توان از پتانسیل وزارتخانه‌های ذی‌ربط و حتی سفارتخانه‌ها در حوزه ورزش و دیپلماسی ورزشی برای رسیدن به اهداف بین‌المللی استفاده کرد و به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از بن‌بست‌ها و بحران‌های سیاسی و شرایط حساس دیپلماتیک جهان امروز از آن بهره جست.

درونی سازمان‌هایی که باید امور بین‌الملل را پشتیبانی کنند (مانند وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، وزارت امور خارجه) در رابطه با موضوع دیپلماسی ورزشی و مباحث بین‌المللی ورزشی، خود چگونه فعالیت می‌کنند. در نهایت اینکه به نظر بسیاری از متخصصان حوزه بین‌المللی ورزشی در دستگاه دیپلماسی کشور به‌طور کامل شناخته نشده و از پتانسیل آن استفاده نشده است. بنابراین با تعامل دوطرفه بین وزارت ورزش و جوانان با وزارت امور خارجه و همچنین

منابع و مآخذ

۱. التیامی نیا، رضا؛ محمدی عزیزآبادی، مهدی (۱۳۹۴). «نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها». فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۲۲، ص ۱۷۹-۱۴۹.
۲. باقری، یوسف؛ شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ نظریان، عباس (۱۳۹۵). «مدلسازی نرم (ISM) مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش». نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۸، ش ۵، ص ۷۹۷-۸۲۱.
۳. بخشی‌چناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سید نصرالله؛ جلالی‌فراهانی، مجید (۱۳۹۸). «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، سال ششم، ش ۲۳، ص ۲۲-۱۵.
۴. بخشی‌چناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سید نصرالله؛ جلالی‌فراهانی، مجید (۱۳۹۸). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت و توسعه ورزش. شناسه دیجیتال: DOI: 10.22124/jsmd.2019.12744.1983
۵. پوستین‌چی، زهره؛ محسنی‌فرد، فرزانه (۱۳۹۲). «تحریم‌های اقتصادی به‌منزله ابزار دیپلماسی اجبار در سیاست بین‌الملل». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سال ششم، ش ۲۲، ص ۱۷۱-۱۳۷.
۶. پیمان‌فر، محمدحسن (۱۳۹۵). تدوین الگوی راهبردی توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی.
۷. درخشه، جلال؛ اسماعیلی کلیشه‌ای، علیرضا (۱۳۹۶). «دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردها». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، ش ۲، ص ۵۳-۲۷.
۸. راسخ، نازنین؛ جوادی‌پور، محمد (۱۳۹۶). «نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران». نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۹، ش ۴، ص ۵۹۹-۸۰۴.
۹. زادگان، محسن؛ حسینی، سید رسول (۱۳۹۱). «تأثیر دیپلماسی بر قدرت ملی ایران در عرصه جهانی». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۲، ش ۳، ص ۱۳۱-۱۵۰.

۱۰. زرگر، افشین (۱۳۹۴). «ورزش و رابطه بین الملل: جنبه‌های مفهومی تئوریک». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال یازدهم، ش ۳۱، ص ۴۸-۷.
۱۱. سجادی، سید نصراله (۱۳۹۳). ورزش و روابط بین‌الملل. تهران، انتشارات حتمی.
۱۲. سمیعی، علیرضا؛ فتحی، عبدالرضا (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات خاورمیانه، دوره ۳، ش ۴، ص ۱۷۶-۱۴۵.
۱۳. شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ گودرزی، محمود (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا». فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال یازدهم، ش دوم، ص ۱۲۷-۹۵.
۱۴. شیرزادی، رضا؛ شاه‌رضایی، فاطمه (۱۳۹۴). «نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶-۱۳۹۲)». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ش ۳۲، ص ۴۶-۳۵.
۱۵. صباغیان، علی (۱۳۹۳). «دیپلماسی ورزشی». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۶، ش ۳۱، ص ۱۵۱-۱۳۲.
16. Bareston, R. P. (2014). "Modern Diplomacy, New York, Pearson Longman". Vol. No. 51 Issue No. 1 (January/ March 2014).
17. Bjola, C., & Kornprobst, M. (2013). "Understanding international diplomacy: theory, practice and ethics". Routledge, pp: 105.
18. De San Eugenio, J. Ginesta, X. Xifra, J. (2015). "Peace, sport diplomacy and corporate social responsibility: a case study of football club Barcelona peace tour 2013". soccer & society. DOI: 10.1080/14660970-2015. pp: 1-14.
19. Fullerton, J. Abdi, K. Talebpour, M. Ranjesh, M. Nooghabi, H. (2018). "Converting sports diplomacy to diplomatic outcomes: introducing a sport diplomacy model. Article review guideline". International area studies review. pp: 1-17.
20. Grix, J. & Houlihan, B. (2014). "Sports Mega-events as part of a nation soft power strategy: The cases of Germany (2006) and UK (2012)". The British journal of politics & international relation. pp: 572- 596.
21. Kobierski M. (2017). "Sport diplomacy of Norway". International studies interdisciplinary and culture journal, 20 (1), no. 1/2017.
22. Murray, S., Pigman, G. A. (2014). "Mapping the relationship between international sport and diplomacy". Sport in Society, 17(9), pp: 1098-1118.
23. Marlene A. Dixon., Arden J. Anderson, Robert E. Baker, Pamela Hudson Baker, Craig Esherick (2019). "Management in sport for development: examining the structure and processes of a sport diplomacy initiative". International Journal of Sport Management and Marketing (IJSMM), 19(4): 268-292.
24. Min, D., Choi, Y. (2019). "Sport cooperation in divided Korea: an overstated role of sport diplomacy in South Korea". Sport in Society, 22(8), pp: 1382-1395.
25. Nye, JR., Joseph S. (2014), "Public Diplomacy and Soft Power, the ANNALS of the American Academy of Political and Social Science". Vol 616, No 1.

26. Pamment, J. (2014). "The 2012 Olympics and Its Legacies: State, Citizen, and Corporate Mobilizations of the Olympic Spirit". *International Journal of Communication*, pp: 8- 19.
27. Reiche, D. (2014). "Investing in sporting success as a domestic and foreign policy tool: the case of study: Qatar". *International journal of sport policy and politics*. pp: 37-53.



The Role of Sport Diplomacy in Foreign Policy of Islamic Republic of Iran

**Amin Reza Bakhshi Chenari ^{1*} - Mahmoud Goodarzi ² - Seyed Nasrollah Sajjadi ³ -
Majid Jalali Farahani ⁴**

**1. PhD of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences,
University of Tehran, Tehran, Iran 2,3. Professor of Sport Management, Faculty of
Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran 4. Associate
Professor of Sport management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences,
University of Tehran, Tehran, Iran
(Received: 2018/07/30; Accepted: 2018/12/23)**

Abstract

The aim of this study was to investigate the role of sport diplomacy in foreign policy of the Islamic Republic of Iran. The entire research process included two steps: the first stage of research included qualitative research (using interviews with university professors and elites, reading articles, books and documents) and the second stage of the study included quantitative research of descriptive-analytical type (using Delphi and AHP method). After the end of the first phase of the study, 41 variables related to the main and the secondary aims of the research were identified after the end of the second phase of the Delphi method and the final screening. The results showed that the introduction of rich and civilized culture in Iran, the introduction of tourism attractions of the country and attracting tourists and paving the way for dialogue between different nations, facing less resistance in societies and countries of destination in political negotiations, the possibility of a reduction of military confrontation among countries and the reduction of the importance of military issues, no hostile tone in sport diplomacy along with higher attraction of this diplomacy were the most important roles of sport diplomacy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran from the viewpoints of the elites.

Keywords

Foreign policy, Islamic Republic of Iran, sport diplomacy.

* Corresponding Author: Email: aminchenari@gmail.com ; Tel: +989139092529